



**گفت وگویی «جام جم» با نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده و مدیر دوبلاژ انیمیشن «مسافری از گانورا»**

# ماجرای عجیب فضایی هاد را ایران

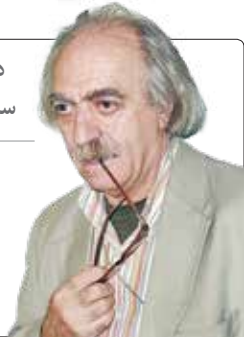
زنگ هفدهمین جشنواره مسابقه سینمای مستند امروز به صدا درمی آید

## آغاز ضیافت حقیقت



در گفت وگویی «جام جم» با کارگردان سریال سربداران، ۴۲ سال بعد از تولید آن تشریح شد

**سربداران جذابیت‌هایی که کهنه نمی‌شود**



درنگ

شید اسلامی / نویسنده و پژوهشگر

### این گوی و این میدان!



فراموش نمی‌کنیم سال پیش، در همین ایام جمعی از مدعیان تابلودار آزادی و حتی آن بخش از فعالان سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ای که برای شعار «زن، زندگی، آزادی» یقه می‌دراندند، هم محکم روی صندلی‌هایشان در جاهای

مختلف و حتی گاه در کمال تعجب، در برخی رسانه‌هایی که کمتر تناسبی با خط فکری‌شان داشت، نشسته بودند و هم در تدارک عضویت در ستادهای خبری جشنواره‌های پیش رو بودند. همه اینها در حالی بود که اینان باتمسک به این گزاره که «هر نهاد واگازن و سازمان تحت عنوان جمهوری اسلامی ایران، نماینده و تریبون حاکمیت است»، با ابزارها و ارتباطات رسانه‌ای‌شان، آتش تهیه حمله به هنرمندانی را فراهم می‌کردند که ممکن بود به‌نجوی با پروژه‌های گوناگون هنری در تلویزیون و سینما و... همکاری داشته باشند یا بخوانند در جشنواره‌هایی مثل فجر و فیلم کوتاه تهران و حقیقت و... شرکت کنند. البته ماجرا به آن فعالان سیاسی

و اجتماعی و رسانه‌ای و منادان ظاهری آزادی محدود نبود و این موج ایجاد رعب و تهدید، با کمک لشکر سایبری معاندان آن قدر فراگیر شد تا کمتر کسی تاب مقاومت مقابلش داشته باشد.

ویدئوی معروف مه‌ران مدبری که سرمایه سال‌ها تولید و کار

فرهنگی و هنری‌اش با نام تلویزیون و سینمای ج.ا.ا. پلاک شده است، بارزترین واکنشی بود که از همان ابتدا هم مشخص بود تحت فشار روانی و تبلیغاتی این دست متلاشگران، هنرمندها

و فعالان رسانه‌ای و... بهانه‌روزم برپاکن در تویتور و اینستاگرام و گروه‌های تلگرامی اثرگذار، ضبط شده است. آتشی که به سرعت سرد شد و مدبری را به جاده انتشار ویدئوی دومش کشاند. جالب این بود که ماجرا در آن سوی پرده به‌شبه دیگری در جریان بود و همان آدم‌ها که دمی از شلیک بی‌امان تیرهای حمله به چهره‌های مشهور برای بازداشتن‌شان از حضور در رادیو و تلویزیون، سینما، جشنواره‌ها و... غافل نبودند و چپق خاکیان را با آزار و تخطئه‌شان در فضای مجازی جاق می‌کردند، در ساعات اداری، بی‌اعتنا به همه آن سخنان به‌زعم خودشان، به‌شدت روشنفکرانه‌ای که بعد از ساعت اداری می‌زدند، مشغول کارهای روزمره همیشگی بودند و چنان که گفتیم، حتی به‌ذنبال یافتن موقعیتی برای گرفتن کار در ستادهای خبری و... همان‌ها که چند ماه بعد از فروکش کردن آشوب‌های ۱۴۰۱، در پاسخ به اعتراض علیه رفتارهای متناقض‌شان، در کمال گستاخی گفتند حق داشته‌اند در کشور خودشان کار و ارتباط کنند؛ پولی که از ستادهای خبری، رسانه‌ها، پروژه‌های گوناگون و... گرفته‌اند، در قبال کاری بوده که انجام داده‌اند و کسی حق ندارد معترض‌شان شود! به همین راحتی و به همین سادگی، فقط آنها آزاد بودند چون به خلوت شبکه‌های اجتماعی می‌رفتند، «آن کار

دیگر» را کنند و بقیه باید در خلوت و جلوت هزینه جو اختناق ایجادشده توسط آنان را بپردازند.

رفتارهای دوگانه این افراد، افزون بر آن که پوشالی بودن ادعاهای سینه چاکان آن به‌اصلاح انقلاب و قیام و... و تقلیل آزادی‌های مدنی روشنفکر نمایانه‌شان به رفتارهای سرکوبگرانه و فاشیستی را نمایاند، حالا با گذشت بیش از یک سال از نمایش دروغین پاییز ۱۴۰۱، صدای برخی هنرمندان و بازیگران را هم درآورده که بیشترین لطمه را از جوسازی‌های این گروه و امثال داخلی و خارجی‌شان متحمل شدند و برای در امان ماندن از هجمه مهاجمان حقیقی و مجازی، فعالیت‌های هنری‌شان را محدود کردند، حضور در پروژه‌های تولیدی را محطاطانه رد کردند، شرکت در رویدادهای هنری و فرهنگی را از برنامه‌هایشان حذف کردند و هر روز نگران هجوم خالقان و هادیان فیک‌نیوزها و چماق‌نیوزها و هنری‌پوش‌های شیک منتقدنما بودند؛ اتفاق تلخی که برخی نوشته‌های چند بازیگر مشهور در روزهای اخیر، مؤید آن است.

از سوی دیگر، یادآوری دوباره شرایط آن صحنه مشتجع و تحمیلی، تصویر نفاق و منفعت‌طلبی و بیول پرستی افرادی چون حمید فرخ‌نژاد و... امثال او را نیز به خاطر می‌آورد که تا روزهای آخر حضور در ایران، درست در نقطه مقابل شعارهای کار کردند که وقتی تا آخرین ریال دستمزد بازی‌شان را گرفتند پای‌شان به

ممالک خارجه رسید، برای‌شان سینه زدند.

بگذریم که بسیاری نیز از اساس، اهمیتی به شانتازهای تخطئه‌نگران ندادند و چرخ تولید آثار هنری کشور را چه در تلویزیون، چه نمایش خانگی و چه سینما چرخاندند؛ منظمه‌ای که کران تا کران‌تن زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران است که امنیت، امکان و موقعیت کار برای هنرمندان را تأمین و تضمین می‌کند و به‌اصطلاح، فارغ از اسم و رسم هریک، آسمانش همه‌ها همین رنگ است. واقعیت این است که اکنون غبارها کنار رفته و خورشید آگاهی، عشق به وفاق ملی و دغدغه جمعی برای ایستادگی مقابل تفرقه‌افکنی و دسیسه‌های گوناگون بدخواهان

بیگانه، تابنده‌تر از هر زمان دیگر است. صداسویما، سینما، رسانه‌های مختلف و مراکز تولید آثار هنری در قالب‌های گوناگون نیز راهبردی جزاگرامیداشت و تقویت این عشق و دغدغه ندارند و آغوش‌شان را برای هرکسی که دل در گرو عظمت تمدن کهن ایرانی دارد و باور دینی و ارزش‌های مردمش را ازج می‌نهد، گشوده‌اند.

دیگر نقاب از چهره آنان که نه با مردم و نه حتی با خودشان و ادعاهایشان یک‌رو و یک رنگ نیستند، برافتاده و تیرهای زهرآگین القانات ناصواب‌شان بر مرجیان، بازیگران و هنرمندان و آفرینشگران محصولات فرهنگی و هنری کارگر نیست. اکنون به هنرمندان وفادار به پرچم سه‌رنگ ایران عزیز، فقط باید گفت: «در این خانه به روی شما باز است. حالا دیگر، این شما و این گوی و این میدان!»



در ایام اغتشاشات سال گذشته که به بهانه مرگ مهسا امینی شروع شد و جامعه را چند هفته‌ای درگیر خود کرد، اگر صفحات بازیگری که علیه جمهوری اسلامی موضع نگرفته را نگاه می‌کردیم در قسمت نظرات، انبوهی از توهین و تهدید مشاهده می‌شد که بازیگران را وادار به حمایت از آشوب می‌کردند. در آن ایام برخی از چهره‌های مشهور در دام فشار لشکر فیک جریان نفاق افتادند و در آتش اغتشاشات دمیدند و برخی دیگر در صفحات شخصی خود در فضای مجازی از این فشارها برده برداشته و از هجوم‌هایی گفتند که به هوای کار در سینما، حضور در جشنواره فجر و حتی شادی به دلیل پیروزی تیم ملی فوتبال روی آنان بود.

**ربات‌ها و فیک‌ها**

حمید هیراد، اولین هنرمندی بود که پرده از حجم فشار کامنت‌های تهدیدآمیز برداشت و نوشت: «روی حرّم با اون کسانی که با ربات یا پیج‌های فیک به من و دوستانم که خواننده یا بازیگر و ورزشکار هستند و معلومه از طرف کی حمله می‌کنند و دور از جون مردم، هر چیزی که لایق خودشون و خانواده‌شون هست رو به ما عنوان می‌دن... من نه سلبریتی هستم و نه هیچ کسی، منم مثل تک تک مردم هستم فقط شغلم فرق میکنه همین... تویی که با پیج فیک می‌ای میگی در مورد کنسرت و هزار تا چیز دیگه حرف می‌زنی حتی نمی‌تونی درک کنی که چندتا انسان از این راه خرج زن و بچه‌شون رو میدن و من خبر دارم که چند نفرشون تو اوضاع بی‌پولی و کرونا که شغل ما تعطیل شد، مطلق گرفتن و زندگیشون نابود شد...» در روزهای

اغتشاشات زمان بازگویی حقایق توسط هنرمندان نبود، ولی حمید هیراد این جرأت را به خرج داد و از علت موضع‌گیری برخی هنرمندان پرده برداشت. حالا یک سال از اغتشاشات ۱۴۰۱ گذشته و سلبریتی‌ها در حال بیان حقایقی هستند که بیش از یک سال آن را پنهان نگه داشته بودند!

**تحمیل سکوت**

الهام حمیدی، بازیگر سینما درباره فحاشی‌های فضای مجازی و هجمه‌های اکانت‌های فیک می‌نویسد: «در جشنواره فیلم فجر و جام جهانی مجبور به سکوت‌مان کردند، بازیگر سینما و تلویزیون؛ جلویی از شادی فوتبالیست‌ها در نفاق و فحاشی به هنرمندان در جشنواره فجر، تحمیل سکوت بود. اشاره به هر اتفاق امیدوارکننده‌ای، سیل توهین‌های مخلف را به‌همراه دارد؛ این موضوع با فرهنگ مردم ایران همخوانی ندارد.»

**سازماندهی افراد برای توهین زیرپست‌ها**

لیندا کیانی نیز دیگر سینمای می‌نویسد: «عده زیادی هستند که سازماندهی شده میان زیرپست‌های من و

همکارانم یا دیگر چهره‌های شناخته شده با هجمه سنگین کامنتی سعی دارن که جلوی حق‌گویی ماهارو بگیرن. هدفشونم اینه که ما رو اسیر ماریپیج سکوت

**سنت قدیمی منافقین**

مسعود رضایی، تاریخ‌پژوه و نویسنده آثاری چون «تاملی در یادداشت‌های آقای هاشمی»، «سیاست و تاریخ معاصر ایران» و «مسلمانی در جست‌وجوی



تعالی» نیز در این ارتباط معتقد است: این روش، روش چپ‌های مارکسیست و نیروهای وابسته به آنهاست؛ به شکلی که این مدل برخورد با دیگران، پشان و مخالفان در تاریخ معاصر ما با نام منافقین گره خورده است. آنها ابتدا وقتی می‌دیدند کسی با نیروهای انقلابی اندک مراده‌ای دارد، دست به بایکوت شخص می‌زدند و اگر این مراده ادامه داشت، تهدید و پس از آن، او را ترور می‌کردند و می‌کشتند. امروزه اگر کسی بیاید، چهره‌ها و شخصیت‌ها را به بهانه همکاری‌های معمول کاری و صنفی با جمهوری اسلامی تهدید، تخریب و بایکوت کند در اصل دارد روش و منش منافقین را پیگیر می‌شود. شعار آزادی می‌دهند، اما در عمل سربازان گروهک منافقین هستند. در حال حاضر مدعیان آزادی، استبدادی را در عمل پیگیری می‌شوند که افراد جامعه را وحشت‌زده کرده و به هرنحوی به حاشیه ببرند. این مدل برخورد با افراد اگر تعدیل نشود و با آن مقابله نکنند، می‌تواند موجب برخورد‌های بسیار خشن‌ت‌آمیزتری در جامعه شود.

حالا یک سال از این ماجرا گذشته و اعتراف سلبریتی‌ها درباره این موضوع، داغ مجازی شده است. بی‌شک در روزهای آینده شاهد اعتراضات بیشتری در این موضوع باشیم اما این اعتراف‌ها چیز عجیبی نیست، زیرا بسیاری از سلبریتی‌ها در دام فیک‌نیوزها و ربات افتادند و بر اساس هدف و خواست آنها رفتار کردند ولی در فضای فعلی برای خروج از فشار یک‌ساله و همچنین برای آینده اجتماعی‌شان، نیاز است واقعیت‌ها را با رازگو کنند گرچه دیر ولی همین اعتراف دیر هنگام نیز ثمرات مثبتی را برای جامعه به همراه دارد.



زاویه دید:

تهدید هنرمندان توسط چه کسانی صورت گرفت؟

## بایکوت؛ سنت قدیمی منافقین

کنند. برام مهم شد و خواستم از این تریبون به همکارانم توصیه کنم حواستون باشه تودام نیوفتید.» جالب این است احسان کریمی که محصول همین لشکر فیک است با توهم براندازی ایران رفت، وی نیز این پست را لایک کرده است! متین ستوده، بازیگر سینما و تلویزیون: «بعد از اظهار نظر بعضی از همکارانم درباره توهین‌های مجازی به شخصیت‌های رسانه‌ای خیلی دلگیر شدم؛ چون پارسال در همین ایام خیلی‌ها از ترس شنیدن توهین و فحاشی نمی‌توانستند فعالیت کنند.»

**۲ پایگاه فضای مجازی منافقین**

براساس اطلاعات به دست آمده جریان نفاق و یگان ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی، دو پایگاه بزرگ در فضای مجازی هستند که برای پیشبرد اهداف براندازی و ضدایرانی فعالیت مجازی می‌کنند. تصاویر و شواهدی وجود دارد که گروهک تروریستی منافقین در فضای مجازی لشکر فیک مجازی دارد. همچنین کسانی که به یگان ۸۲۰۰ جذب شده‌اند، برای رواج اندیشه‌های صهیونیستی و نفوذ در جهان عرب و مسموم کردن فرهنگ و تفکرات آنان و نیز ضربه زدن به ارزش‌های اخلاقی،

انسانی و عقیدتی به کار گرفته شده‌اند و در واقع این جمع، یک ارتش سایبری را تشکیل داده‌اند تا در فضای مجازی، اهداف خاصی را دنبال کنند.